



«مراجع صلاحیتدار» قرار دهیم، تعریف قانون به معنی اعم به دست می‌آید یعنی شامل تصویب‌نامه و آئین‌نامه (نظامنامه) نیز می‌شود.<sup>۱</sup>

**حقوق مطبوعاتی:** به مجموعه قواعدی اطلاق می‌شود که حاکم بر چاپ، انتشار و توزیع تمام مطالبی است که خطاب آن به عموم جامعه باشد. این انتشارات نوعاً عبارتند از: کتابها، روزنامه‌ها، مجلات، اعلامیه‌ها و نظایر آن. امروزه قسمت اعظم آگاهی‌های عمومی از طریق تبلیغات سمعی و بصری (نظیر رادیو، تلویزیون و سینما) صورت می‌گیرد، اما حقوق مطبوعاتی صرفاً شامل انتشارات مکتوب است.

## اخلاق حرفه‌ای و قوانین مطبوعاتی

### حمید مقدم فر تعاریف

حقوق مطبوعاتی بر روابط ارگان‌های مطبوعاتی با دولت و مؤسسات عمومی و روابط فی‌مابین مؤسسات مطبوعاتی و همچنین روابط بین مؤسسات مطبوعاتی و نویسندگان و خوانندگان نظارت دارد.

### تفاوت حقوق و اخلاق

حقوق و اخلاق، با وجود همبستگی و ارتباط کامل، مفهومی واحد ندارند و از پاره‌ای جهات با هم متفاوتند و همین تفاوتهاست که لزوم وضع قوانین را در کنار قواعد اخلاقی نشان می‌دهد:

۱. هدف از اخلاق، اصلاح معایب شخص و ایجاد جامعه فاضله است و بر وجدان و افکار باطنی نیز حکومت می‌کند. ولی، حقوق به حفظ صلح و نظم در اجتماع بیش از پاک‌سازی روح و حسن‌نیت توجه دارد. مقصود از قواعد حقوقی این است که در روابط اجتماعی نظم و عدالت نسبی برقرار شود، هرچند که در این راه اخلاق نیز رعایت نشده باشد.

۲. تفاوتی که بین هدف اخلاق و حقوق وجود دارد و همچنین اشکال‌های مربوط به فنون قانونگذاری و اجرای آن سبب شده است که قلمرو این دو نیز یکسان نباشد. برای مثال دروغ‌گویی در اخلاق ناپسند و مذموم است، ولی حقوق تنها در شرایط خاصی برای آن مجازات معین می‌کند.

۳. قواعد حقوقی ضمانت اجرای مادی و اجتماعی دارد و قانونگذار به انواع وسایل

اخلاق: مجموعه قواعدی است که در طول ادواری از زندگی یک جامعه به ساقه فطرت و اندیشه‌های گوناگون آن جامعه به وجود آمده و افراد آنها را محترم شمرده و بیش و کم به معرض اجراء در می‌آورند. و تخلف از آنها وجدان اکثریت جامعه را متألّم و ناراحت می‌کند. مبنای آنها ترویج خوبی‌ها و کاهش بدیهاست.

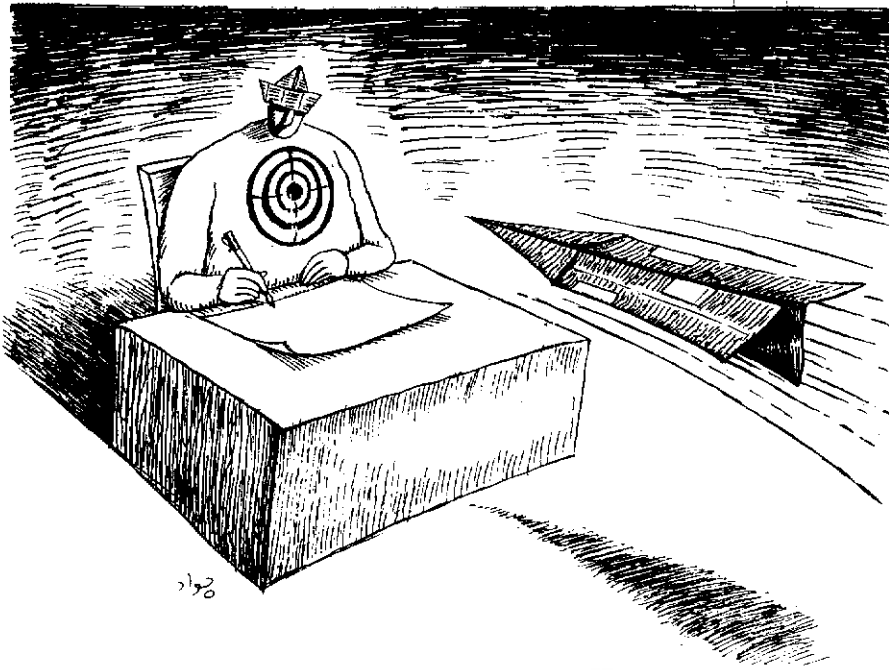
حقوق: این اصطلاح در زبان فارسی به معانی گوناگونی به کار می‌رود که موارد زیر از جمله مهمترین آنهاست:

۱. مجموع مقرراتی که بر اشخاص، از این جهت که در اجتماع هستند، حکومت می‌کند؛

۲. برای تنظیم روابط مردم و حفظ نظم در اجتماع، برای هرکس امتیازهایی در برابر دیگران قائل می‌شوند و توان خاصی به او می‌بخشند. این امتیاز و توانایی را «حق» می‌نامند که جمع آن حقوق است؛

۳. گاه مقصود از واژه «حقوق» علم حقوق است. یعنی دانشی که به تحلیل قواعد حقوقی و سیر تحول و زندگی آن می‌پردازد.

**قانون:** در تعریف قانون، چنین گفته‌اند: «مفهومی است کلی و قضایی و غیرموقت که مجالس ویژه آن را برای اجراء، تصویب کرده و به عموم مردم عرضه می‌دارند. اگر در این تعریف به جای عبارت «مجالس ویژه»،



چواد

اشخاص را ناگزیر از اطاعت آنها می‌سازد. در حالی که ضمانت اجرای قواعد اخلاقی فقط جنبهٔ درونی و مذهبی دارد و مکافات بی‌اعتنایی به آن پاداش روز جزا یا تأثر وجدان شخص است.

در عین حال با وجود جدایی قواعد حقوقی و اخلاق، هنوز هم اخلاق را باید مهمترین منبع حقوقی به‌شمار آورد. زیرا قانونگذار خواه‌ناخواه، از نفوذ اخلاق محیط خود مصون نیست و ناچار است که، برای حفظ نظم و تأمین اجرای قانون، قواعد اخلاقی جامعه را رعایت کند. تا حد امکان به کاری فرمان دهد که مردم نیز آن را نیکو می‌شمارند و عادت‌ها را نهد که وجدان عمومی هم از آن گریزان است.

در حقوق مطبوعات ایران و سایر کشورها نیز ریشه بسیاری از مقررات، اخلاق است. علاوه بر آن، اصول اخلاق حرفه‌ای مطبوعات هم در بعضی کشورها تدوین یافته است که اجرای آنها تابع مقررات و نظامات صنفی است. در سطح بین‌المللی نیز تلاش برای فراهم آوردن یک نظامنامه اصول اخلاقی برای مطبوعات تمام کشورها در جریان است.

## حق پاسخ

حق پاسخ یکی از اصول اخلاقی است که در بسیاری از کشورها به رسمیت شناخته شده و بیشتر قوانین مطبوعاتی نیز این حق را برای اشخاص در برابر مطبوعات مقرر کرده‌اند.

رسالت مطبوعات در دو نکته خلاصه می‌شود که عبارتند از: ارائه اخبار و آگاه ساختن مردم و دیگر تربیت و ارشاد افکار مردم. مطبوعات برای اینکه بتوانند این دو وظیفه مهم را انجام دهند باید بتوانند دور از اختناق و اجبار و بی‌آنکه با محدودیت‌های زائد دست‌وپایشان بسته شود اظهار عقیده نمایند. از طرفی همیشه این احتمال وجود دارد که مطبوعات از قدرت خود سوءاستفاده کنند. بنابراین قانونگذار برای حمایت فرد در برابر مطبوعات چاره‌اندیشی کرده و حرمت زندگی خصوصی افراد را با تدابیر کیفری تأمین نموده است. تا اگر روزنامه یا نشریه‌ای خواست از این مرز بگذرد بتوان مدیرمسئول آن را مورد تعقیب کیفری قرار داد.

اما در کنار تعقیب کیفری، فرد ذینفع حق پاسخ‌گویی نیز دارد که در بسیاری از کشورها

برساند، به شرط آن که جواب از دوبرابر اصل تجاوز نکند و متضمن توهین و افترا به کسی نباشد.

نکته‌ای که در متن قانون مطبوعات ایران راجع به حق پاسخ جلب می‌کند، این است که قانون ایران حق جواب را به شکل موشع و غیر مقید نپذیرفته است زیرا در ماده ۲۳ پیدایش حق پاسخ موکول به این گردیده است که مطلبی مشتمل بر توهین یا افترا یا خلاف واقع و انتقاد نسبت به کسی که می‌خواهد از حق پاسخ استفاده کند، درج شده باشد.

بنابراین، طبق نص قانون در صورتی حق پاسخ وجود خواهد داشت که روزنامه یا مجله، مطلب و یا خبری انتشار داده باشد که نسبت به شخص مشتمل بر یکی از چهار مورد زیر باشد: ۱. توهین؛ ۲. افترا؛ ۳. خلاف واقع؛ ۴. انتقاد.

## قانون مطبوعات ایران و اخلاق حرفه‌ای

به لحاظ مشکلات ناشی از خلاء قانونی در ارتباط با مسائل حرفه‌ای روزنامه‌نگاران، اصول اخلاقی خاصی برای روزنامه‌نگاران در ایران تدوین نشده است و تشکلات صنفی نیز برای رسیدگی به تخلفات صنفی و حرفه‌ای آنان وجود ندارد. با وجود این، اصول اخلاقی به‌طور وسیع در قانون مطبوعات مصوب ۱۳۶۴ مد نظر قرار گرفته است. در این قانون، عدم اشتها به فساد اخلاق و

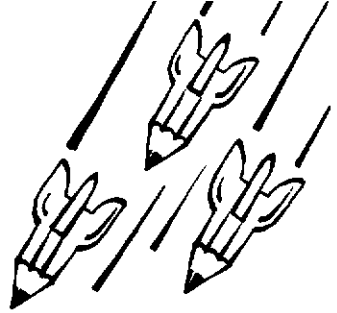
قانونگذار این حق را در قوانین پیش‌بینی کرده است. قوانین مطبوعاتی آلمان، اتریش، سوئیس، یوگسلاوی، ترکیه، اردن، مجارستان، لهستان، یمن، ایتالیا و فدراسیون روسیه از همین نظریه تبعیت کرده‌اند.

قانونگذار فرانسوی حق جواب را به صورت موشع پذیرفته و سعی کرده تا افراد به کامل‌ترین شکل موجود در برابر تعرضات احتمالی مطبوعات حمایت شوند.

لیکن در کشورهایی که حق جواب را در نظام حقوقی خود نپذیرفته‌اند و به خصوص در انگلستان قانونگذار این نقص و کمبود را از طریق دیگر جبران کرده است و به عبارت صحیح‌تر چون نقیصه احساس نگردیده، ضرورتی برای تأسیس حق جواب هم پیدا نشده است.

در قانون مطبوعات ایران (مصوب ۱۳۶۴) ماده ۲۳ تنها ماده‌ای است که در کلیه قوانین ایران راجع به حق پاسخ وجود دارد و متن آن از این قرار است:

«ماده ۲۳- هرگاه در مطبوعات مطالبی مشتمل بر توهین یا افترا یا خلاف واقع و انتقاد نسبت به شخص (اعم از حقیقی یا حقوقی) مشاهده شود، ذینفع حق دارد پاسخ آن را ظرف یک‌ماه کتبی برای همان نشریه بفرستد و نشریه مزبور موظف است اینگونه توضیحات و پاسخ‌ها را در یکی از دو شماره‌ای که پس از وصول پاسخ منتشر می‌شود، در همان صفحه و ستون و با همان حروف که اصل مطلب منتشر شده است، مجانی به چاپ



قانون مذکور چنین اختیاری پیش‌بینی نشده است و از این حیث خلاء قانونی وجود دارد. دوم اینکه: اساساً رسیدگی به تخلفات صنفی و حرفه‌ای مطبوعات که عنوان جرایم عمومی را ندارد، می‌بایستی در اختیار تشکیلات صنفی یعنی دادسرا و دادگاه انتظامی روزنامه‌نگاران قرار داده شود که قانون مطبوعات در این مورد نیز خلاء قانونی دارد.

## نظام‌نامه‌های اصول اخلاقی حرفه‌ای

تدوین اصول اخلاقی حرفه‌ای برای نخستین بار در سال‌های دهه ۱۹۲۰ آغاز شد. در حال حاضر بیش از شصت کشور در سراسر دنیا نظام‌نامه‌های کم‌وبیش گسترده‌ای را که اغلب مورد پذیرش خود اشخاص حرفه‌ای قرار گرفته است پذیرفته‌اند. استانداردهایی را که برای رفتار تعیین می‌کنند بر روی هم جنبه‌ای عام دارند - از جمله، آزادی دسترسی به منابع اطلاعات، عینیت، تعهد به خودداری از وارد آوردن افترا - اما اغلب اینها در لقیافه ابهام و گاهی اصطلاحاتی نارسا هستند. از سوی دیگر، شمار نظام‌نامه‌هایی که حاوی اصول حاکم بر وظایف و مسؤولیت‌های روزنامه‌نگاران در قبال جامعه بین‌المللی یا کشورهای خارجی باشد اندک است و تنظیم یک نظام‌نامه بین‌المللی مربوط به اصول اخلاقی، هنوز به صورت موضوعی بسیار بحث‌انگیز باقی است.

بین سال‌های ۱۹۵۰ و ۱۹۵۲ نیز کمیسیون فرعی آزادی اطلاعات و مطبوعات، پیش‌نویس نظام‌نامه بین‌المللی اصول اخلاقی پرسنل اطلاعاتی را تهیه کرد. در سال ۱۹۵۴ مجمع عمومی سازمان ملل تصمیم گرفت روی این پیش‌نویس اقدامی نکند، و بعداً آن را به رسانه‌ها و انجمن‌های صنفی آنها ارسال داشت تا آن‌طور که مناسب بدانند اقدام کنند.

چندین انجمن بین‌المللی، پیش‌نویس اعلامیه‌های اصول یا نظام‌نامه‌های اصول اخلاقی را تهیه کرده‌اند یا آنها را پذیرفته‌اند. از جمله فدراسیون بین‌المللی روزنامه‌نگاران (پاریس، ۱۹۷۳) فدراسیون روزنامه‌نگاران امریکای لاتین (که دوازده سازمان آن را تأیید کرده‌اند) و تهیه پیش‌نویس یک نظام‌نامه اصول اخلاقی حرفه‌ای برای روزنامه‌نگاران عرب، زیر نظر اتحادیه عرب (۱۹۷۷). با وجود این

جمهوری اسلامی، نقشه و استحکامات نظامی، انتشار مذاکرات غیرعلنی مجلس شورای اسلامی و محاکم غیرعلنی دادگستری و تحقیقات مراجع قضایی بدون مجوز قانونی؛ ۷. اهانت به دین مبین اسلام و مقدسات آن و همچنین اهانت به مقام معظم رهبری و مراجع مسلم تقلید؛

۸. افترا به مقامات، نهادها، ارگان‌ها و هریک از افراد کشور و توهین به اشخاص حقیقی و حقوقی که حرمت شرعی دارند، اگر چه از طریق انتشار عکس یا کاریکاتور باشد؛ ۹. سرقت‌های ادبی و همچنین نقل مطالب از مطبوعات احزاب و گروه‌های منحرف و مخالف اسلام (داخلی و خارجی) به نحوی که تبلیغ از آنها باشد؛

۱۰. چاپ و انتشار نشریه‌ای که پروانه آن لغو گردیده و یا به دستور دادگاه به طور موقت یا دایم تعطیل گردیده است؛

۱۱. انتشار نشریه به گونه‌ای که اکثر مطالب آن مغایر باشد با آنچه که متقاضی به نوع آن متعهد شده است؛

۱۲. انتشار نشریه به نحوی که با نشریات موجود یا نشریاتی که به طور موقت یا دایم تعطیل شده‌اند از نظر نام، علامت و شکل اشتباه شود؛

۱۳. انتشار نشریه بدون ذکر نام صاحب‌امتیاز و مدیرمسئول و نشانی اداره نشریه و چاپخانه آن.

برای بعضی از موارد فوق‌الذکر، قانون مطبوعات در فصل ششم<sup>۴</sup> در صورت تخلف، مجازاتی مقرر کرده است، ولی برای بعضی دیگر مسکوت مانده است که اینها در واقع مقررات اخلاقی مطبوعات می‌باشد. رسیدگی به موارد تخلف از اصول اخلاقی مطبوعات طبق ماده ۱۲ قانون مطبوعات در صلاحیت هیأت نظارت است. همچنین در جرایم مطبوعاتی مندرج در فصل ششم نیز اصول اخلاقی مذکور مؤثر بوده است.

گفتنی است قرارداد رسیدگی به موارد تخلف نشریات بر عهده هیأت نظارت، از نواقص اساسی قانون مطبوعات مصوب ۱۳۶۴ می‌باشد زیرا:

اول اینکه: در قانون مطبوعات اختیارات هیأت نظارت برای رسیدگی به تخلفات صنفی و حرفه‌ای شاغلان حرفه مطبوعاتی به روشنی تعیین نشده است. در عمل این هیأت اقدام به تذکر یا لغو پروانه انتشار نشریه می‌نماید که در

■ رسیدگی به تخلفات صنفی و حرفه‌ای مطبوعات که عنوان جرایم عمومی را ندارد، باید در اختیار تشکیلات صنفی یعنی (دادسرا و دادگاه انتظامی روزنامه‌نگاران) قرار داده شود. در این مورد در حال حاضر خلاء قانونی وجود دارد.

سابقه محکومت کفیری از شرایط لازم برای تقاضای پروانه انتشار نشریه تعیین شده است.<sup>۲</sup> به علاوه فصل چهارم قانون مذکور با عنوان «حدود مطبوعات» اختصاص به مواردی دارد که در واقع با اصول اخلاقی بیشتر تطبیق دارد تا موازین قانونی. در این فصل نشریات از انتشار مطالب زیر و یا اقدام به مواردی دیگر نهی شده‌اند:<sup>۳</sup>

۱. نشر مطالب الحادی و مخالف موازین اسلامی و ترویج مطالبی که به اساس جمهوری اسلامی لطمه وارد کند؛

۲. اشاعه فحشاء و منکرات و انتشار عکس‌ها و تصاویر و مطالب خلاف عفت عمومی؛

۳. تبلیغ و ترویج اسراف و تبذیر؛

۴. ایجاد اختلاف مابین اقشار جامعه، به‌ویژه از طریق طرح مسائل نژادی و قومی؛

۵. تحریص و تشویق افراد گروه‌ها به ارتکاب اعمالی علیه امنیت، حیثیت و منافع جمهوری اسلامی ایران در داخل یا خارج؛

۶. فاش نمودن و انتشار اسناد و دستورها و مسائل محرمانه، اسرار نیروهای مسلح

## ■ باید دادسرا و دادگاه انتظامی روزنامه‌نگاران، که توسط تشکیلات صنفی ایجاد خواهند شد، به تخلفات اعضای صنف خود رسیدگی انتظامی نمایند و رسیدگی به تخلفات انتظامی روزنامه‌نگاران از اختیار هیأت نظارت و محاکم دادگستری خارج گردد.

ابتکارها، بسیاری از روزنامه‌نگاران و مقامات دولتی مسؤول در امر ارتباط، مدعی هستند که تنظیم یک نظام نامه بین‌المللی در این زمینه، با توجه به تصورات گوناگونی که از نقش روزنامه‌نگار در جهان امروز وجود دارد غیرممکن خواهد بود.<sup>۵</sup>

در قوانین مطبوعاتی بعضی از کشورها نیز اصول اخلاقی کم‌وبیش نفوذ داشته است: به موجب قانون مطبوعات ایتالیا، هرگاه نشریات و جراید متعلق به کودکان و نوجوانان، به هر نحوی به اخلاقیات آنان ضربه وارد آورده یا باعث تشویقشان به فساد، قتل یا خودکشی شوند مشمول مقررات کیفری می‌شوند. همین امر در مورد نشریاتی که محتوای آنها شامل مطالب واقعی یا تحلیلی تکان‌دهنده و ناراحت‌کننده تا حدی که مخمل احساس اخلاقی یا نظم خانوادگی شده و یا باعث شیوع قتل و خودکشی گردد نیز صادق است.

در قانون مطبوعات ترکیه نیز انتشار اطلاعاتی دروغین، چاپ خارج از حد خبری، اخبار خودکشی و عکس مربوط به آن، خبر مربوط به روابط نامشروع با محارم، افشای نام و چاپ عکس مجرمین کمتر از ۱۸ ساله ممنوع شده است.

به موجب قانون مطبوعات یمن، روزنامه‌نگار ملزم است که آبروی افراد و خانواده آنها را حفظ کرده، مسائل داخلی زندگی مردم را محترم شمارد و از به‌کارگیری حرفه خود در نیت و اغراض شخصی امتناع ورزد.

قانون مطبوعات و نشر کتاب در مالزی، چاپ مطالب مضر به اخلاقیات و امنیت مردم

مالزی را ممنوع ساخته است. در قانون مطبوعات و انتشارات اردن نیز، صاحبان امتیاز نشریات حق ندارند مطالب و تصاویر و اخبار مغایر با عفت عمومی منتشر نمایند.

همچنین در کشورهایی که تشکیلات مطبوعاتی ایجاد شده است، روزنامه‌نگاران مکلف به اجرای مقررات اخلاقی هستند. از قبیل: قوانین و مقررات حرفه روزنامه‌نگاری انگلستان (اتحادیه ملی روزنامه‌نگاری)، مقررات اخلاقی برای مطبوعات در زمینه گزارش و تفسیر از رویدادهای اجتماعی مصوب ۱۹۶۸ (کنفرانس عمومی سردبیران مطبوعات هند)، مقررات انجمن مطبوعات نیجریه مصوب ۱۹۷۲ (دومین کنفرانس سالانه انجمن سردبیران مطبوعات نیجریه)، مقررات اخلاقی مطبوعات پاکستان مصوب ۱۹۷۲ (مجمع عمومی کمیته مطبوعات).<sup>۶</sup>

### نکته مهم

پیش از این گفته شد که به علت خلاء قانونی، روزنامه‌نگاران در ایران فاقد تشکیلات صنفی هستند و به همین علت نیز هیچ‌گونه اصول اخلاق حرفه‌ای بر کار آنان نظارت ندارد. این موضوع موجب گردیده که علاوه بر جرایم مطبوعاتی، حتی تخلفات ساده دست‌اندرکاران مطبوعات هم، از طریق محاکم دادگستری یا هیأت نظارت بر مطبوعات مورد رسیدگی قرار گیرد و نتیجتاً امنیت شغلی آنان به مخاطره بیفتد.

در این زمینه پیشنهاد می‌شود:

۱. طسی مصوبه‌ای نظام صنفی خاص روزنامه‌نگاران تشکیل گردد و در این راستا، «سازمان نظام پزشکی» و «کانون وکلا» به عنوان الگوهایی مناسب مورد نظر قرار گیرد.

۲. به منظور حفظ حیثیت و شوون شغلی، روزنامه‌نگاران، مقررات اخلاقی مطبوعات باید توسط تشکیلات صنفی ایجاد شده، تدوین گردد و به مورد اجرا گذاشته شود.

۳. دادسرا و دادگاه انتظامی روزنامه‌نگاران توسط همان تشکیلات ایجاد گردد و به مثابه سازمان نظام پزشکی و کانون وکلا به تخلفات اعضا صنف خود رسیدگی انتظامی نماید. و رسیدگی به تخلفات انتظامی روزنامه‌نگاران از اختیار هیأت نظارت و محاکم دادگستری خارج گردد، زیرا همان‌طوری که گفتیم، مقوله اخلاق جدا از حقوق و قانون است.

۴. تشکیلات صنفی ایجاد شده اختیار داشته باشد همانند سازمان نظام پزشکی، نظر کارشناسی در مورد جرایم مطبوعاتی اعضا صنف خود، به دادگاه‌ها ارائه دهد. □

### پی‌نوشتها:

۱. فرق قانون با آیین‌نامه و تصویب نامه این است که قانون باید به وسیله مجلس قانونگذاری تصویب شود و حال آنکه آیین‌نامه ممکن است به وسیله این مجلس و یا مقام صالح دیگر (مانند: وزیر یا هیأت وزیران یا هیأت دولت و غیره) به تصویب برسد. قانون را فقط خود قوه مقننه می‌تواند تغییر دهد و حال آنکه آیین‌نامه و تصویب‌نامه را مراجع تصویب‌کننده و نیز قوه قانونگذاری می‌تواند تغییر دهد.
۲. بند ۴ ماده ۹ قانون مطبوعات.
۳. مواد ۶ و ۷ همان قانون.
۴. مواد ۲۴ تا ۳۳ همان قانون.
۵. گزارش مک‌براید - یک جهان، چندین صدا ترجمه ایرج پاد.
۶. برای اطلاع بیشتر رجوع شود به فصلنامه رسانه سال چهارم، ش ۲، تابستان ۱۳۷۲، ص ۲۴.

### منابع:

- حقوق‌شناسی، محمدحسین ساکت، مشهد، نخست ۱۳۷۱.
- ترمینولوژی حقوق، دکتر محمدجعفر جعفری لنگرودی، تهران بی‌نا، بی‌تا.
- مقدمه عمومی علم حقوق، دکتر محمدجعفر جعفری لنگرودی، تهران، گنج‌دانش، ۱۳۶۲.
- مجموعه قوانین و مقررات مطبوعاتی، حمید مقدم‌فر، مراغه، اوحدی، ۱۳۶۹.
- یک جهان، چندین صدا، مک‌براید، ترجمه ایرج پاد، تهران، سروش، ۱۳۶۹.
- ترجمه فارسی قوانین مطبوعاتی کشورهای مختلف.
- دوره کامل فصلنامه رسانه.
- تحلیل حقوقی جرایم سیاسی و مطبوعاتی، دکتر سیدمحمد هاشمی، مجله تحقیقات حقوقی، ش ۱۰ (بهار، تابستان ۱۳۷۱)، صص ۱۰۵-۱۴۵.